

- عادات نویسندگان و شعرا -

مشاهیر نویسندگان هر يك نوعی خاص کار میکرده اند ، اگر از چگونگی شروط و تقیدات آنان مطلع شویم خواهیم دید عادت متضمن چه غرابنی است . نویسنده مقندری که بترتیب معین معناد شده اگر آن ترتیب بهم خوردگی پیدا کند نمی تواند قوه قریحه را بکار انداخته چیزی بنویسد . یکی طرف صبح حواسش جمع است ، دیگری سکوت شب را می پسندد ، این یکی بافلان قلم و مرکب آشناست ، آن یکی بقدری با کاغذ مخصوص خود مأنوس است که اگر حاضر نباشد موازنه فکریه اش مختل می شود ، « سولی پرودوم » عادت را این طور معرفی میکنند : « عادت ، حس بیکانه ایست که جای قوه محاکمه را میگیرد ، خدمتکاری است که بهر خانه وارد شود از آن جا بیرون نمی رود ، اگر محکم او را پذیرید وای بر حال شما ! این پیر فرتوت با قدمهای مرتب خویش بر آرزوهای زنده شما خط بطلان میکشد . »

« وواتر » در اطاق کار چندین میز تحریر گذاشته روی هر میز یکی از مصنفات خود را مینوشته ، بواسطه ثروت و معاشرت با اشراف ، تزیینات و مفروشات کران قیمت را دوست میداشته است . « ژان ژاک روسو » بالمره از این عوالم بیکانه بوده و هنگام تحریر از تماشای منظره طبیعت محظوظ میشده و همیشه میگفته است : « جنگل مونمورانسی برای من بمنزله کارخانه است » روسو در طبقه چهارم يك آپارتمان تاریک زندگی میکرده ،

عرقچین در سر و پیراهن بلند در تن بنوشتن مشغول بوده ، گاه ساز میزده و گاه بجوشیدن دیگچه غذا می نگریسته ، پرده نقاشی جنگل مونمورانسی ، قفسی دارای چند قناری ، چند گلدان گل ، نکهتی از الواح طبیعت بشامه او میرسانیده است . « ده لیل » تا در خانه محبوس نمیشد قلم بدست نمیگرفت ، روزی چند تن از دوستان بدیدتش رفتند و او را صدا کردند ، از پشت در گفت ، عذر میخوامم زتم مرا حبس کرده و در را بسته است . در این اثنا مادام ده لیل برگشت ، واردین را بوضعی بارد پذیرفت و در حضور آنان شوهر خود را بنوشتن ترغیب نمود و گفت : وقت را بیهوده تلف مکن ، هر شعر تو چهار فرانک ارزش دارد ، اگر تا وقت غذا سی فرانک بردخل ما افزوده شود چه ضرری خواهد داشت ؟

« بالزاک » مؤلف « La comédie humaine » مقارن غروب میخوابیده و نصف شب بیدار شده پس از صرف یکفنجان قهوه بکار شروع میکرده است ، این مشغله بدون انقطاع تا ظهر روز دیگر امتداد مییافته ، هر ورقی را که باخر میرسیده بی مراجعه به پشت سر میانداخته است ، هنگام چاشت خدمتکارش داخل شده اوراق پراکنده را بمطبعه میرده است . بقدری که این طرز چیز نویسی برای خود او دشوار بوده برای کارگران مطابع نیز زحمت داشته ، این صفحات که بدستگاه طبع میرفتند تقریباً طراحی نا تمام رومان بودند ، همین که نمونه را برای تصحیح میآوردند استادی و نقش بندی بالزاک در آنجا ظاهر می

شد، بعد از چند دقیقه آنچه را نوشته بود نمی‌پسندید، عوض میکرد، در هر کلمه میایستاد، از متن بحاشیه میرفت، از بیست ورقه موجود فقط يك ورقه را میتوانست پاك نویس کند، اگر در يك جمله تغییری بنظرش میرسید فوراً کاغذ را برداشته مدتی در اطاق قدم میزد و آن جمله را بلند میخواند و تا این ترکیب مخمل فصاحت اصلاح نمیافت آ-وده نمی نشست، « ژورژسان » روزها حرکت ننموده، شب بنوشتن مشغول شده بقیه رومان را از جایی که دیروز ترك شده بود شروع می کرد. « توفیل کوتیه » نیز در گوشه مطبعه، در میان قیل و قال اجزاء اداره بی آنکه يك کلمه را عوض کند یا به تصحیح محتاج باشد، باورقی چند روزنامه را مینوشته است. « آلفرد موسسه » هنگام نظم اشعار پرده های اطاق را انداخته چراغها را روشن میکرد است، « دومافیس » در حین تألیف رومان و کومدی از شنیدن صدای پیانو ناگزیر بوده است که « فرانسوا کوپه » میگوید: من وقت معین برای کار ندارم، در بحال حرکت شعر میگویم و اتصالاً بجرخ و تعدیل محررات خود مشغولم.

« بوفون » هر روز صبح در ساعت پنج از خانه بیرون آمده پارك خود را گردش کرده باطاق مطالعه که در آن جا بوده داخل میشده است. از این اطلاعات معلوم میشود که ادبای متقدمین و متأخرین برای تحریر افکار خویش قانون ثابت و معین را قائل نبوده اند.